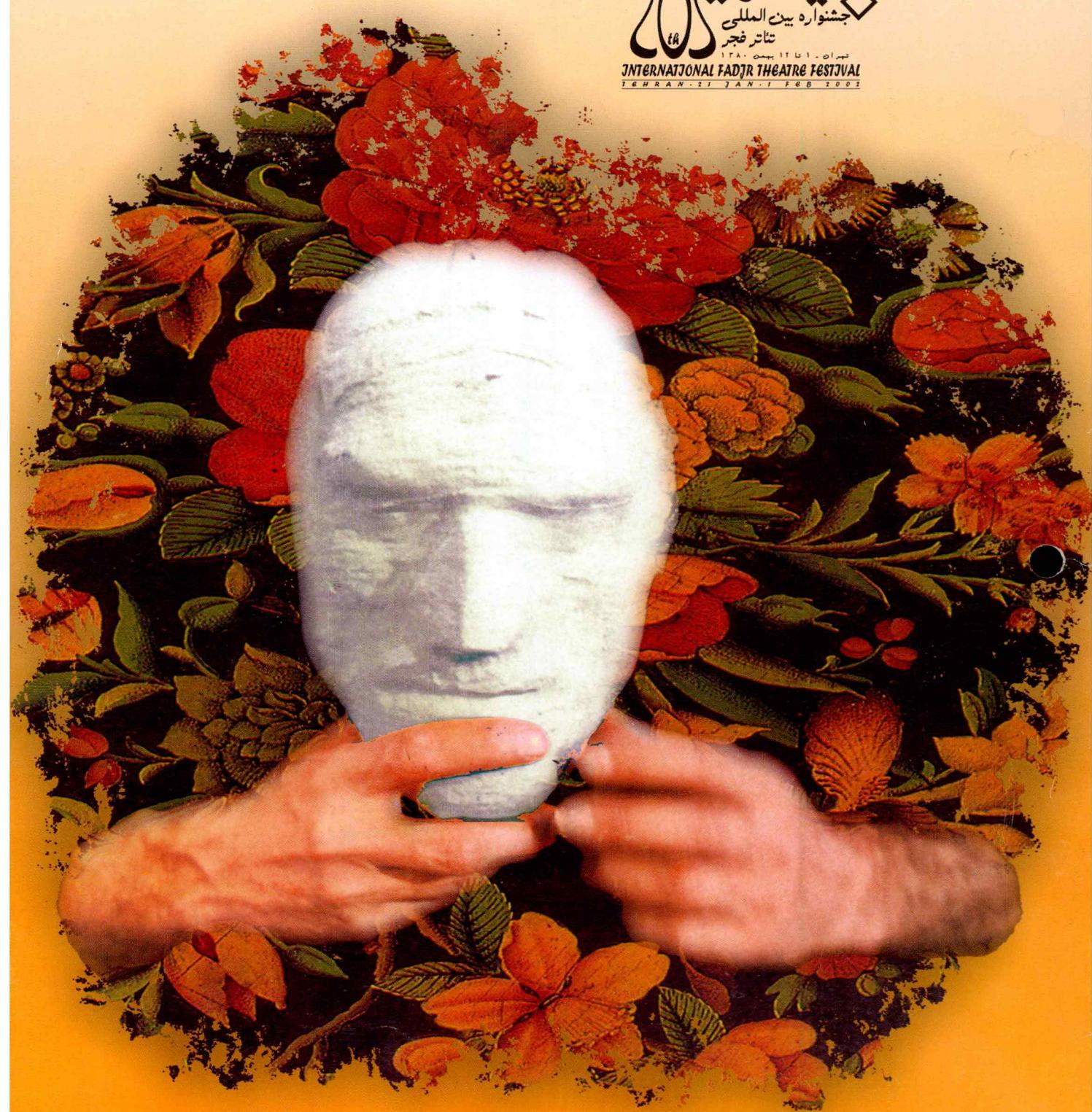


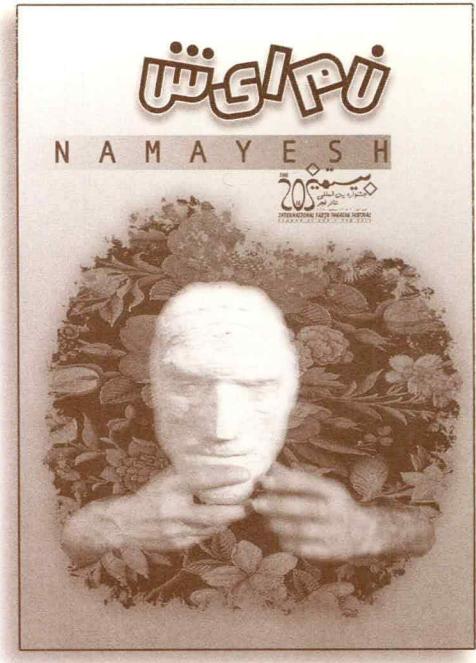
نمایش

NAMAYESH 3

جشنواره بین المللی
تئاتر فجر
THE 20th
INTERNATIONAL FADJR THEATRE FESTIVAL
TEHRAN - 21 JAN - 1 FEB 2002



نمایش



نمایش

NAMAYESH

ویژه بیستمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر
تهران - ۱۲ بهمن ۱۳۸۰

لale تقیان	سردییر ◇
انوشیروان میرزائی کوچکسرایی	طراح و مدیر فنی ◇
اختن اعتمادی - آوا سرجویی - فرح یگانه	مترجمین ◇
مریم محمدی - مهرانه آتشی - حجت ترصی - فرهاد سرافراز	عکس ◇
پرویز میرزا حسینی	مسئول امور رایانه ◇
محمدعلی میرزا حسینی	کامپیوتر گرافیک ◇
فرزانه سرمدی - مهری غلامی - پانته آ میرزا حسینی	حروف نکار ◇
جهاد دانشگاهی (واحد هنر)	لیتوگرافی رنگی ◇
چاپ نخستین	چاپ جلد ◇
انتشارات نمایش	چاپ متن ◇
علی اصغر دشتی - ایمان ذوقی - جواد تولمی - پریسا مهجرور	همکاران ◇
هانی کیوان ثانی - شراره محمد خباز - فریما روحی نژاد	
مینا ساغرویان	

مقالات منتشره الزاماً نظرات مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست. قلم طالب و عکس ها بادکرمأخذ آزاد است. تصاویر در چاپ و پرینت مقالات و مطالب وارد مختار است. مقالات بررسیده به هیچ وجه مسترد نخواهد شد.

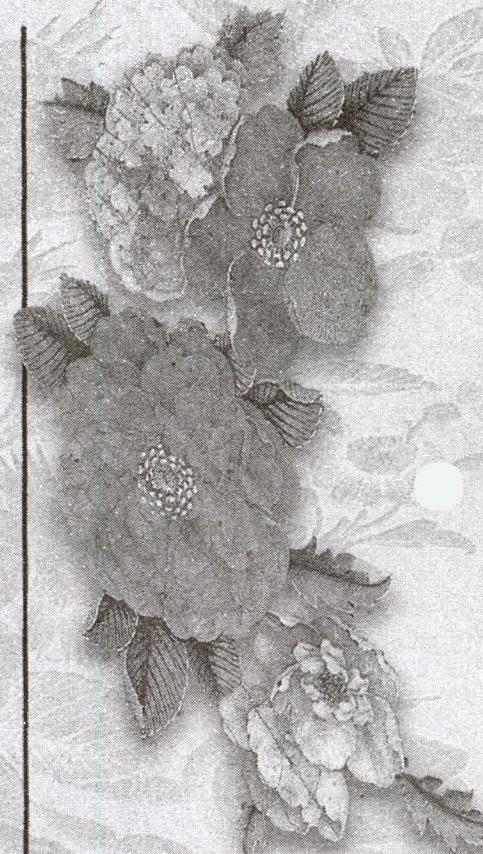
نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان استاد شهریار (ارفع)، تالار وحدت، کد پستی ۱۱۳۳۴، انتشارات نمایش
تلفن: ۰۵۱-۰۶۷۰۸۸۶۱ و ۰۶۷۰۳۴۸۵ پست تصویری:

<http://www.irannamayesh.com> ◇ dac@neda.net

انتشارات نمایش

Dramatic Arts Center





تحقیق گفتگو میان فرهنگ‌ها

اجرای ریچارد دو اثر شکسپیر توسط گروه برلینر آنسامبل از کشور آلمان در نخستین روز برگزاری بیستمین جشنواره تئاتر فجر را باید به فال نیک بگیریم؛ به این دلیل که این گروه که از بزرگترین و معروف‌ترین گروه‌های تئاتر اروپا است و به لحاظ تشكیلاتی و شیوه‌های نمایشی و هنرمندانی که در درون این گروه به فعالیت می‌پردازند معیار محسوب می‌شود، امسال در تهران و برای تماشاگران ایرانی اثری از شکسپیر را به صحنه آوردند. این موقعیت که هنرمندان و هنردوستان ایرانی بتوانند اثری از گروه برلینر آنسامبل را بینند و با هنرمندان این گروه از نزدیک آشنا شوند یکی از مهمترین دستاوردهای جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در تحقیق موضوع گفتگوی فرهنگ‌ها است؛ و این موضوع به تنها اجرای این برنامه در بیستمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر محدود نمی‌شود. که امسال برای نخستین بار هنرمندان تئاتر ما اثری را با کارگردانی از کشوری دیگر و فرهنگی دیگر به اجرا می‌آورند. روبرتو چولی پس از چند بار که در این جشنواره برنامه‌هایی به صحنه آورد، امسال با گروهی ایرانی و به عنوان مشارکت در امر گفتگوی فرهنگ‌ها خانه برناردا آلب اثر لورکا را به صحنه خواهد آورد. این اجرا که اویین قدم در ارتباط نزدیک میان فرهنگ دو نقطه جهان است، بی‌تردد دری تازه بر تئاتر ایران می‌گشاید که از این پس شاهد همکاری و مشارکت هنرمندان ایران و جهان در آفرینش‌های نو باشیم.

سومین رویداد مهم این جشنواره در تحقیق موضوع یاد شده حضور گروهی از کانادا است با کارگردانی ایرانی و نمایشنامه‌ای ایرانی. ارش نوشته پیرام بیضایی که با کارگردانی سهیل پارسا و بازیگران و گروه فنی کانادائی "ارتباط فرهنگی" نویسن را تجربه می‌کند. و بالاخره دیگر گروه‌های ایرانی و خارجی که در این جشنواره به فعالیت و ایجاد ارتباط با تماشاگران و فرهنگ‌های جامعه مشغولند، و استقبال تماشاگران و مردم از این برنامه‌ها نشان می‌دهد که تئاتر در ارتباطی درست با جامعه و جهان امروز است و می‌توانیم باز و کنیم که این زنده‌ترین هنر جهان مهمترین عنصر در "گفتگوی فرهنگ‌ها" است.

در این شماره می‌خوانید

تحقیق گفتگو میان فرهنگ‌ها	۳
خبر جشنواره	۴
عمر طولانی، تصور است	۵
لزوم تأسیس پژوهشگاه و نگرش دیگر بر آثین‌ها	۶
معرفی مهمنان خارجی	۷
زندگی زیباست	۸
دانشجویان شاهنامه نمی‌خوانند	۱۲
برنامه‌های امروز و فردا	۱۳
آمار	۱۴
معرفی گروه‌های خیابانی	۱۶
بخش انگلیسی	۱۷

خبر جشنواره



وی در مورد چگونگی تشکیل این گروه گفت: برای اولین بار گروه تئاتر برلین آنسامبل در سال ۱۹۴۸ توسط برتولت برشت و همسرش هلنا و ایگل تأسیس شد و پس از مرگ برشت افراد دیگری برای مدیریت این گروه دعوت شدند که آخرین آنها من هستم.

این تئاتر در مرکز شهر برلین آلمان قرار دارد و نزدیک به ۳۰ بازیگر با آن به طور مدام همکاری داردند و ما به طور معمول در طول سال نزدیک به ۴۶۰ اجرایی پی در پی برای مردم عامی، دانشجویان و حتی بیکاران آلمان به‌اجرا در می‌آوریم که نمایش ریچارد دوم نیز یکی از کارهای این گروه محسوب می‌شود.

سرپرست گروه برلین آنسامبل در مصوّر آشنایی خود با فرهنگ ایرانی گفت: من پیش از اینکه به ایران بیایم چند فیلم ایرانی را دیده بودم که بسیار بسیار با آنها ارتباط برقرار کردم اما آنچه که در این چهار روزه من ثابت شد این بود که هنرمندان و اندیشمندان ایرانی خیلی بیشتر از اینکه ما ایران را پیشناهیم، اروپا را می‌شناستند و این در اجرای ریچارد دوم ما کاملاً مشهود و من متوجه شدم که تماشاگران ایرانی با تئاتر شکسپیر با توجه به اینکه اصل‌ازیان آلمانی بلند نبودند اما با اجرا خوب ارتباط برقرار می‌کردند. و امیدوارم برگزاری چنین جشنواره‌هایی به این مهم و به‌این‌گونه پرخوردها کمک بیشتری بکند.

وی در مورد چگونگی استقبال ریچارد دوم در آلمان گفت: ریچارد دوم یک تئاتر کاملاً سیاسی و گروهها و افراد زیادی در طول اجراهای متعدد این نمایش سعی کردند که جلوی اجرای آن را بگیرند اما نتوانستند. چرا که اساساً خود شکسپیر هم با سانسورهای سلطنتی مخالف بود.

تالار سنگلج در دومین روز در تالار سنگلج در دومین روز جشنواره نمایش‌های سنتی و آئینی برپا کرده است و تماشاگران این تالار را با این شیوه نمایشی نزدیکتر ساخته است. در دومین روز جشنواره در تالار سنگلج با استقبال فراوان شرکت‌کنندگان یک روز بر دورة برگزاری کارگاه نور اضافه شد. ضمناً در این روز ریزتچولی و گروهی از هنرمندان یونانی به تالار سنگلج رفته‌اند تا از نمایش یک نوکر و دواریاب دیدن کنند.

ایرانی‌ها، اروپا را خوب می‌شناسند...

گزارشی از اولین نشست مطبوعاتی جشنواره بیستم فجر

در اولین روز از نشست مطبوعاتی که همه ساله با حضور خبرنگاران و میهمانان خارجی در کافه تربیت تئاتر شهر و به صورت پرسش و پاسخ برگزار می‌شود گروه تئاتر برلین آنسامبل با نمایش ریچارد دوم از کشور آلمان حضور داشتند.

در این جلسه کلاوس بیمان به بسیاری از پرسش‌های خبرنگاران پاسخ گفت و در مورد نحوه فعالیتها این گروه بزرگ توضیحاتی را ارائه کرد. مدیر و سرپرست گروه برلین آنسامبل در ابتدا ضمن معرفی اعضاء همراه متشکل از مدیر روابط عمومی، دراماتورژ و اعضای هیئت مدیره گروه گفت: من نزدیک به سه سال است که سرپرستی این گروه را به عهده گرفتم. شغل اصلی من کارگردانی و برنامه‌های هنری را برای این گروه طراحی می‌کنم و کار هدایت آنها نیز به عهده من است.

وزیر ارشاد در تالار وحدت

از خبرهای دومین روز برگزاری جشنواره بین المللی تئاتر فجر حضور مدیران و مستولان فرهنگی کشور از جمله وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی جناب آقای احمد مسجد جامعی به اتفاق معاونت فرهنگی و هنری ایشان جناب آقای مهندس کاظمی و همراهی آقای مجید شریف‌خدایی رئیس مرکز هنرهای نمایشی در میان خیل مشتاقان و علاقمندان ریچارد دوم از کشور آلمان بود. که این خود می‌تواند موجبات دلگرمی و رونق بیشتر به شعار جشنواره را تئاتر صحنه صلح و اندیشه محقق سازد.

دسته گلی برای تماشاگر وقت‌شناس!

اگر به موقع برای تماشای نمایش به تالار هنر بروید یک جایزه دریافت می‌کنید، شاید باورتان نشود ولی مدیریت تالار هنر برخلاف تالارهای دیگر که دلیل تأخیر اجرا در آنها بیشتر به خاطر عدم آمادگی گروه‌های است دلیل تأخیرها را به خاطر تأخیر تماشاگران می‌داند. بدینیست که بدانید در تالار هنر نمایشهای عروسکی و تئاترهای کودک و نوجوان اجرا می‌شود و گاهی تماشاگران هم تشویق می‌شوند. مدیریت تالار هنر از همین ترفند استفاده کرد و شب گذشته قيل از اجرای نمایش تنها تماشاگر وقت‌شناسی که سرموقع وارد سالن شده بود یک دسته گل به رسم یادبود تقدیم شد! امید که این ترفند کارساز باشد و در تمام سالنها تماشاگران به موقع بیایند و نمایشها به موقع شروع شود.

آمار تماشاگران سالانه بیستمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

زمان	مکان	تالار وحدت تئاتر شهر	تالار بزرگ تئاتر شهر	تالار چهارسو تئاتر شهر	تالار شهر تئاتر شهر	تالار شهر تئاتر شهر
سه شنبه ۲ بهمن ماه	تالار کوچک تئاتر شهر	ریچارد دوم آلمان	ریچارد دوم آلمان	رضا صابری	آد مریم مقدس نصرالله قادری	عنشق روی خویشته حمید جبلی
یک سپتامبر	تالار هنر	یک سپتامبر	سالانه ۱۱۶ نفر	سالانه ۲۷۰ نفر	سالانه ۱۱۹ نفر	سالانه ۱۴۸ نفر
سالانه ۱۱۴ نفر	تالار هنر	سالانه ۱۸۰ نفر	سالانه ۱۲۵ نفر	سالانه ۱۵۲ نفر	سالانه ۱۴۸ نفر	سالانه ۱۰۶ نفر
سالانه ۱۰۶ نفر	تالار سنگلچ	سالانه ۱۷۸ نفر	سالانه ۲۰۳ نفر	سالانه ۳۱۹ نفر	سالانه ۳۷۷۸ نفر	سالانه ۵۵۰ نفر
سالانه ۱۰۹ نفر	سالانه ۹۹ نفر	سالانه ۱۰۹ نفر	سالانه ۱۷۸ نفر	سالانه ۳۷۷۸ نفر	سالانه ۴۸ نفر	سالانه ۵۷ نفر
سالانه ۴۸ نفر	سالانه ۱۰۹ نفر	سالانه ۱۰۹ نفر	سالانه ۱۷۸ نفر	سالانه ۳۷۷۸ نفر	سالانه ۵۷ نفر	سالانه ۱۰۶ نفر



عمر طولانی، قصور است.

گفتگو با مجید جعفری کارگردان دو نمایش آنتیگونه و هملت

دوران حیات آن یک دوران خاص از جرا تا آخر اجرا است و این دوران ای... از روز اول تا روز آخر دچار شرایط متفاوت باشد. خصوصاً در کشور ما که شرایط دائماً در حال تغییر و تحول و لافت و خیز است.

- آقای جعفری آیا به نظر شما نیازهای علمی تئاتر ما در حال حاضر پیشست و این ارتباطات جهانی که برای تئاتر ایجاد کردیم آیا برای جبران این کاستی‌ها در زمینه عملی تئاتر مؤثر است؟

○ جعفری: بیینید ما سالها ارتباطمن با تئاتر جهان قطع شده بود و ما از اتفاقاتی که در پیرامون هنر در جهان رخ داد و رخدادها و تحولات شگرف بی خبر بودیم، ایجاد ارتباط کردن با هنر جهان در این سالها که مکانیزم‌های ارتباطی تغییر و تحول و رشد پیدا کرده است حتی ضرورت دارد اما چگونه بودنش خیلی اهمیت دارد. مسائل مختلفی در این بین وجود دارد مثلاً یک سری آدمهایی که در زمینه کار اطلاع حالاً می‌خواهند با تئاتر جهان آشنا شوند و تحولات تئاتر جهان را پیگیر باشند، ولی یک وقت هایی آدم‌هایی هستند که دارای ذهن خالی هستند و فقط به صرف این که یک گروه جوان هستند می‌روند و یک اتفاقاتی را می‌بینند ولی هیچ دریافتی ندارند و فقط گیج می‌شوند و نمی‌دانند چطور باید با این اتفاقات بروخود کنند. خوب این طبیعتاً می‌تواند حتی تأثیر بر عکس داشته باشد در صورتیکه اگر آدم‌هایی را که می‌دانند و اتفاقات را تحلیل می‌کنند، دستاوردهای آنها می‌تواند بسیار موثر باشند، سپس بستگی دارد که چگونه ارتباط برقرار کنیم ولی ارتباط با جهان پیرامون بسیار ضروری است و با سال‌های سال بسیار در تنگناهای ارتباطی بودیم و نمی‌توانستیم ارتباط برقرار کنیم و تحولاتی اتفاق افتاد که ما از آن‌ها بی خبر بودیم.

- من سوال خاصی ندارم اگر شما مطلبی هست لطفاً بفرمائید؟

○ جعفری: من جز این که آرزوی توفیق کنم برای همه کسانی که دست اندکار تئاتر هستند آرزوی دیگری ندارم ما کارمان این است و کار دیگری هم بلد نیستیم. فقط آرزوی من این است که شرایط به جایی برسد که ما به آرمش و آسایش خیال بتوانیم کار کنیم و دینی را که نسبت به جامعه داریم ادا کنیم.

شود و همینجا دارد که بگوییم من همیشه اعتقاد داشتم که تنها راه تجات تئاتر ما کار گروهی و داشتن گروه است. گروههای منسجم و گروههایی که کار مستمر تئاتر بکنند و دغدغه‌ای به جز تئاتر نداشته باشند.

تمرینات مستمر این نکته را به من یادآوری کرده که حالا هر طور که شده در این مدت باید یک گروه منسجم به وجود بسایاریم و ادامه پدھیم. امیدوارم مستولین که به این امر واقف هستند امکاناتی را مهیا بکنند که این گروه‌ها بتوانند شکل بگیرند چون بدون کمک مستولین این امر ممکن نیست.

- با توجه به این کار قبلی شما آرتوور اویس

کاملاً مطابق با شرایط اجتماعی - سیاسی

زمان اجرا و انتخاب شده بود می‌خواهم

توضیح دهید که آیا هملت و آنتیگون هم با در

نظر داشتن همین امر انتخاب شده‌اند یا

خیر؟

○ جعفری: باید بگوییم که این طور نبود که من بر اساس آن شرایط اجتماعی آن کار را بکنم. من در مورد شرایط اجتماعی معتقدم که این امر یک روزمرگی و نه حتی به معنای فکر کردن، بلکه یعنی یک تاریخ مصرفی برای اثر هنری ایجاد می‌کند که این تاریخ مصرف دیگر برای هنر خطرناک است. یک اتفاقی در جامعه می‌افتد و بعد یک اتفاق ۴ ماه ۵ ماه ۶ ماه طول می‌کشد تا یک اثر هنرمندی را آماده کنم. بنابراین خصوصاً راجع به تئاتر که نمی‌توانید هر وقت اراده کردید آن را داشته

شما برای این جشنواره آثار مهم تاریخی جهان را انتخاب کرده‌اید لطفاً در مورد دلیل این انتخاب در این مقطع زمانی توضیح دهید؟

○ جعفری: بسم الله الرحمن الرحيم - انسان تا زمانی که جوان است و دارای انرژی، هیچ وقت فکر نمی‌کند که ممکن است چیزی تمام شود و تقریباً همیشه دارای این تصور است که دارای عمر طولانی است و می‌تواند اشتباہ کند و بعد جبران کند ولی در سن و سال ما انسان احساس خطر می‌کند. فکر می‌کند که باید هر چه توان دارد، چه فیزیکی و چه ذهنی و روحی را مورد استفاده قرار دهد و از حداقل فرست حداقل استفاده را ببرد.

دو ماه قبل از جشنواره بازیبینی کارها شروع شود. سه ماه قبل از بازیبینی به طور متوسط چینش شروع می‌شود و این می‌شود پنج ماه.

پنج ماه زمان طولانی است برای تئاتر انسان منتظر شود تا کارش به روی صحنه برسد در نتیجه فکر کردم که در این مهلت دو تا کار انجام پدھم. منتهای همانطور که گفتید این دو کار از بعضی از جهات ویژگی‌های مشترک دارند مثلاً از نظر آمادگی‌های اولیه که بازیگر باید داشته باشد یک سری تمرینات مشترک نیاز بود و در مجموع هم در وقت صرفه جویی می‌شد هم در میزان انرژی که لازم بود برای هر کدام از این کارها صرف کنیم. خوب هر کدام از این کارها، کار مشکلی است و برای بازیگر و کارگردان زیادی می‌برد تا بتواند کار را عملی بکند در نتیجه ما از مجموعه این دو کار، وجود مشترک آنها استفاده کردیم و سعی کردیم که در طول این زمان به جای یک کار دو کار را آماده کنیم که از هر جهت صرفه جویی در وقت و انرژی و زمان و نیروی انسانی

لزوم تأسیس پژوهشگاه و نگرشی دیگر بر آئین‌ها

نوشته: هوشنگ جاوید

به مناسبت بیستمین جشنواره تئاتر فجر



مبانی فعالیت‌ها پایه مطالعاتی قوی داشته است.

در پژوهشخانه به هنرهای آئینی ابتدا به جوامعی برمی‌خوریم که به زبان رسمی کشور می‌توانند سخن بگویند اما دارای علاقه و دیدگاه‌های خاص خودشان هستند و برآورده همین اختلاف اولیه بی‌گمان در نوع نگرش‌ها نیز دارای اختلاف هستند. پس می‌توان دریافت که در بررسی‌ها تنها تکیه به زبان‌های يومی و شناخت آن نمی‌تواند به عنوان کلید شناخت تفکرات، عادات و فرهنگ مردم مورد مطالعه باشد، بلکه دانستن زبان در بررسی‌ها فقط می‌تواند شکل ارتباط را صحیح‌تر نماید تا بررسی‌ها ژرفای بیشتری به لحاظ علمی پیدا کند.

از سوی دیگر پسنداشت‌ها (باورها) در شکل‌گیری آئین‌ها دخالت فراوان دارند، پسنداشت‌ها حامل دستورات اخلاقی و قوانین اجتماعی نانوشته‌اند و ضمانت آن در جوامع با متابعت نمود پیدا می‌کند، اینکه بسیاری از

عادات تفکر جامعه روز و عقاید عمومی نسل نو با فن‌آوری‌های این هنرهای دینی برویم. هنجرهای زیباشناسانه، پسنداشت‌های اجتماعی روز و هنجرهای فن‌آوری نوین هنر نمایش، در سارور ساختن هسته اصلی می‌تواند راهگشای خوبی باشد. باید بدانیم که معتقدات خداپرستی، علم و خیال پردازی و واقع گرایی در نسل نو کدام سمت و سو را می‌پیماید و روال مستقر بر روابط این نسل چگونه است؟

به عنوان مثال: با آنکه جامعه ایرانی به عنوان یک جامعه سنتی شناخته می‌شود از یک سو بر شعار روابط برادری تمدن‌ها تکیه کرده و از یک سو خود مختاری فردی در آن جاری است، شاید به همین سبب است که اکثر فرهنگ‌نگاران هنری در زمینه اصولی هنرهای هفتگانه با هویت ایرانی، نتوانسته‌اند تاکنون به یک نتیجه گیری مشترک از دانسته‌های معین و قابل قبول برستند، با آنکه روش‌ها، هم علمی بوده و هم

در جامعه امروزمان می‌دانیم که به هر چه که مصنوع نامیده می‌شود، معنای ساخت دست بشر می‌دهد به همین ترتیب می‌توان در تعریفی که راینهارد وینستون از فرهنگ مادی می‌دهد به جریان ساخت این مصنوعات صنعت گفت، اما مسئله‌ای که در نگرش مردم شناسانه تطبیقی بر فرهنگ نگاری آئین‌ها بسیار مهم به نظر می‌آید، این است که آیا در تعریف آئین‌ها می‌توان آنها را مصنوع هنری پسر تام داد؟ آیا این مصنوع تابع فن‌آوری (تکنولوژی) خاصی است؟ چگونه بوجود آمد؟ چرا بوجود آمد؟ چه کسانی آنها را پدید آورده‌اند؟ هدف‌شان چه بوده؟ آیا برای زمان خاصی بوجود آمدند؟ کی انجام می‌شود؟ چه کسانی آنرا انجام می‌دهند؟ این پرسش‌ها تنها به لحاظ انسان‌شناسی دارای اهمیت نیستند، بلکه انسان‌شناسی جاری در آن نیز مهم است، علاوه بر این‌ها محیط فیزیکی، عقیدتی، اجتماعی نیز بر این آئین‌ها تأثیرگذار است، به عنوان مثال: رفاه فیزیکی محیط در نوع لباس پوشش‌های مراسم آئینی در مناطق مختلف کشور تأثیر دارد.

تاکنون در زمینه آئین‌ها تلاشهای فراوانی از سوی عده‌ای از دلسوزخانگان هنرهای آئینی که ریشه دینی در این سامان دارند صورت پذیرفته، اما عمدتاً به صورت گردآوری بوده و تجزیه و تحلیل دقیق و مدونی برای ارائه الگوهای لازم به نسل بعد در مورد آن صورت نپذیرفته، است در حالیکه کوشش عمدۀ در زمان حاضر باید بر تقدیم‌بندی‌های فن‌آوری جوامع طی قرون گذشته تابه حال و تأثیرات آن بر این مصنوع هنری ایرانی که ریشه در اعماق تاریخ و ادیان این کشور دارد قرار گیرد و فعالیتهای فکری، آداب دینی و ذوقی اجتماعات را در مورد آئین‌ها بررسی نمود تا به شیوه‌های نوینی برای ایجاد تحرك در هنر ایرانی امروز به معنای خاص و عام آن دست یافتد.

به عنوان نمونه: اینکه همواره تعزیه را تعریف کنیم و یا موسیقی ایرانی را تعریف کنیم و آنرا مورد تأیید قرار دهیم، نسل نوگارا را قانع نمی‌کند، بلکه باید به دنبال انطباق

مهمانان خارجی جشنواره

ماتیاس لیلینتال

ماتیاس لیلینتال در سال ۱۹۵۹ در برلین به دنیا آمد و تحصیلات خود را در نظریه تئاتر، تاریخ زبان و ادبیات آلمانی ادامه داده است. در سال ۱۹۷۹ به همراه نیکلاس بریگرز نمایش "سه خواهر" اثر چخوی را کارگردانی کرده و در سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۸۲ در دانشکده زبان و ادبیات آلمانی آسیستان بوده است. از سال ۱۹۸۳ به مدت دو سال مدرس نظریه تئاتر در آکادمی نمایش برلین بوده و در سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۸۶ برای نشریات آلمانی روزنامه نگاری کردۀ است. در سال ۱۹۸۷ دستیاری کارگردانی (آخیم فرایر) را برای نمایش "دگردیسی اوید" در تئاتر برگ وین به عهده داشت و از آن زمان تا اوخر سال ۱۹۹۱ دراما تورز تئاتر باسل به کارگردانی فرانک یاوم باوتر بوده. هم چنین همکار گریستوفر مالتار در سه نمایش اولش بوده است. از جمله آثاری که او دراما تورزی آنها را به عهده داشته می‌توان از "Die Räuber" و "لیلهم تل" و "در انتظار گودو اثر بکت نام بردۀ از سال ۱۹۹۸-۱۹۹۱ دستیار کارگردان و دراما تورز در Volksbühne am Rosa-Luxemburg-platz بوده است و مسئولیت رپرتوار را علاوه بر نمایش‌هایی که تحت نظر فرانک کاستورف کارگردانی می‌شدند (از جمله نماش‌های مانند طوفان اثر شکسپیر، سه خواهر اثر چخوی و تیبلونگون) به عهده داشته و از آن زمان تاکنون مدیر برنامه‌های "تئاتر در دولت" می‌باشد.

فری لیسن

متولد هاست ۱۹۵۰، ۱۹۵۲، ۱۹۵۴-۱۹۶۸ فوق لیسانس در تاریخ هنر- قرون وسطی و مدردن - دانشگاه کاتولیک لوون (KUL) پایان تحقیق بر مینیاتور قرون وسطی دریافت مدرک ممتاز، ۱۹۷۳-۱۹۷۶ کار به صورت مستقل - بخش‌های آموزشی - موزه سلطنتی هنرهای زیبای نیراسل و آنتورپ رادیو و تلویزیون بلژیک، ۱۹۷۶-۱۹۷۹ مشاور برتونه ریزی فستیوال وان و لاندرن، ۱۹۸۰-۱۹۹۱ مسئول دستگیری انتورپ - پایه ریزی و احداث این مرکز بین‌المللی هنر تا حال - مسئول فستیوال هنرها و کونستن (براصل)

زمان کنونی مشخص می‌کند.

پرداختن به مسئله ذهنیت (اندیشه پنداشت)‌های عمومی در زمینه ساختارها و یا خصوصیات ساختی یا بقولی "عمل‌گرایی" Functionalism نیز از جمله بررسی‌هایی است که انجام نپذیرفته، اینکه در برابر هر عادت، قطب مخالف عادت نیز وجود دارد مثل: اشک ریختن و پاک کردن اشک به وسیله دست یا دستمال، خنیدن و استناع از خنیدن با صدای بلند.

ارزش نگاری این عادتها که از پنداشت‌ها و در نهایت آیین‌ها و دین‌نشأت می‌گیرد، راهبردهای مناسبی برای تدوین چیزی به نام "هنر نوین ایرانی" را ایجاد می‌نماید. خصوصیات ساختی پنداشت‌های عمومی، می‌تواند "علت‌شناسی" شود، اینکه چرا دستمالی که با آن اشک‌های ریخته در سوگواری ائمه و معصومین را پاک کرده‌اند، محترم داشته، نگهداری می‌کردد و یا تعزیز گردان که به هنگام اجرای تعزیزی زخمی می‌خوردند آن لباس را تا لحظه مرگ نگهداری می‌کرند و با فرد در گور می‌نهادند، پراساس چه عادتی بوده، مسروشی بوده یا آموخته، از کجا به ارث برد و یا از چه کسی آموخته؟

در اینجاست که واژه فرهنگ معنای عمق و گسترده می‌یابد، در عین حالیکه تعریفی بسیار ساده دارد: "اندیشه باورها" و اینکه مردم شناسان در بررسی‌های تطبیقی بر این مسئله (فرهنگ) تأکید فراوان دارند، به دلیل همین جزئیات پیچیده و در عین حال راهگشا است که باید از این پس به آن پرداخت، این پرداختن می‌تواند هم از سوی هنرورزانی که خود را به عنوان آیین‌گرای جامعه هنری کشور معرفی می‌نمایند صورت پذیرد و هم از سوی دست‌اندرکاران بالاتر در قالب ایجاد پژوهشگاه انجام شود.

در این موقعیت زمانی که همه تعریف‌ها و تمجیدها از آیین‌های کهن صورت پذیرفته دست یافتن به جایگاهی درست و دقیق با تعریف نوین برای نسل امروز، همت دست‌اندرکاران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کشور را می‌طلبد تا هرچه زودتر و سریعتر پژوهشگاه موسیقی و پژوهشگاه هنرهای نمایشی را در کشور تأسیس و راهاندازی نمایند.

انشاء...

اجراکنندگان آیین‌ها که کاری خود و یا بدعت در نوع اجرای خود را "گناه" می‌دانند و اگر به انجام آن دست پزند "احساس گناهکاری" می‌کنند، نوعی از این ضمانت‌ها به صورت مجازات گونه پنداشتی است.

اینگونه گشتهای درونی فرد آیین ورز می‌تواند با تعریفی دقیق و درست به نسل نوین، منطبق بر پنداشت‌های امروزینش انتقال یابد تا جوان هنرمند را به وظيفة اصلی اش نزدیک تر نماید، چراکه این احساس از پنداشت‌های درونی و معتقدانه خاص فرد سرچشمه می‌گیرد و به عنوان یک روح عادت نانوشته به صورت ذهنی در دستور سار آین ورز قرار گرفته. نگرش به پنداشت‌ها می‌تواند ارزش‌های دیگری را برای ایجاد رهنمودهای کاربردی به نمود بگذارد، اینکه نحوه بیان احساس چگونه باشد؟

گنش‌ها و اکنش‌های ناشناخته ذهنی از این راه می‌تواند به صورت دستورالعملی برای ایجاد هنجارهای رفتاری مناسب برای نسل جدید در ارتباط با ارائه هنر نوین ظهور پیدا کند.

باید بگوییم که پنداشت‌ها مرز مالکیتی ندارند، فهرست‌پرداری نشده‌اند و ساختار اجتماعی گسترشده آن با همه تفاوت‌هایی مشخص نگردیده و این واقعیت است که هیچ سازمان فرهنگی و هنری به آن نپرداخته است. یکی از مهمترین پنداشت‌ها در جامعه "اصالت خودی" است. مانند: خلاف و سرست دانستن ازدواج با غیرقوم، تأثیر این نوع پنداشت‌ها بر آیین‌ها اینگونه بود که آیین ورز غیربومی را بین خود راه نمی‌دادند و یا با هزار مشکل و به ندرت به این امر دست می‌یازدند. به همین سبب هر هنر غریبه‌ای را سخت می‌پذیرفتند چراکه میراث قومی (قبیله‌ای) را ثبت نشده می‌پنداشتند و آنرا در خطر می‌دیدند. جنبه دیگر پنداشت اصالت‌ها، "نگاه محروم" است که آیین ورزان سالخورده پسر و بزرگتر همه محسوب می‌گردیدند این مسئله در حلقه رقص‌های بومی نیز وجود دارد.

پویش‌های روانکاوانه در زمینه پنداشت‌های اجتماعی، نمود مقدس بودن، ناپاکی، پاکی و خوب یا بد بودن را نیز به شناسایی درمی‌آورد و تکلیف بکارگیری ناهمگون فن اوری‌های نوین صنعتی امروزه مانند: بلندگو، میکروفون، سیستم سایزره و... را در آیین‌ها و ارتباط نوین در

ذندگی زیباست

اجرای تئاتر "ذندگی زیباست" و یا در انتظار عمومی امریکایی ام "توسط گروه تمبل از مصو.

احمد العطار، کارگردان، نمایشنامه‌نویس. تهیه کننده

حسن خان - آهنگساز و طراح صدا

حسین بیضون - طراح صحنه

کریستف گیلمارت - طراح نور. سرپرست کارگاه آموزشی نورپردازی

احمد کمال - بازیگر نقش پدر

سلوا محمد علی - بازیگر نقش بودار کوچکتر

حسن الکریدلی - بازیگر نقش بودار کوچکتر

مگدا عیدو - بازیگر نقش مادر

ولید مرزووق - بازیگر نقش بودار بزرگتر



داشته باشید که این مشکل خاص ما نیست بلکه همه گروهها مستقل تئاتری در مصر با این مشکل مواجه هستند و به همین دلیل لازم دانستیم که این تجربه را با گروهها جوان تکنیسین در میان بگذاریم که بتوانند هم از لحاظ فردی و هم از لحاظ جمعی از آن استفاده کنند.

کارگاه ما به دو بخش تقسیم شد که گروه اول را در تئاتر والاس دانشگاه امریکایی قاهره تشکیل دادیم که مدت یک هفته طول کشید و چهارده نفر شرکت کننده در این کارگاه آموزشی شرکت کردند که شامل کارگران، طراحان نور و طراحان صحنه بودند. این کارگاه را که اساس آن آموزش هنری و تکنیکی بود، فرانک بسون طراح نور فرانسوی مدیریت می‌کرد.

بخش دوم این کارگاه در بخش فرهنگی سفارت فرانسه در قاهره برگزار شد که یک ماه به طول انجامید و هفت نفر از گروه چهارده نفری گروه قبل در این کارگاه شرکت کردند. این بخش را کریستف گیلمارت مدیریت کرد، و هدف از آن ادامه کاری بود که فرانک بسون آغاز کرده بود و نیز گسترش کار به سمت وسیعی که بتوان نورپردازی نمایشنامه "ذندگی زیباست" یا... را با توجه به امکانات نورپردازی در مصر، از آن بدست آورد.

برای برگزاری این کارگاه آموزشی ضروری بود که نورپرداز هم خلاق باشد و هم دانش خوبی درباره تفاوت چنبه‌ها مختلف کار تئاتر در مصر داشته باشد. فرانک بسون قبلاً نیز در سال ۱۹۹۵ یک کارگاه آموزشی در تئاتر ملی قاهره و همچنین چندین آکادمی

لبنانی حسین بیضون طراحی و ساخته شده است.

بسیاری از مؤسسات اروپایی، امریکایی و عربی که در تولید این اثر کمک کرده‌اند، اجازه استفاده از این فضای هنری را داده‌اند. از طرف دیگر این نمایش حاصل همکاری هنرمندان کشورهای مختلف است. مصر، فرانسه، لبنان، انگلستان و اردن که علاقه و انگیزه مشترک آنها برای خلق کاری مشترک در این اثر کاملاً مشهود است.

نمایشنامه "ذندگی زیباست" و یا... درباره یک خانواده است. روابط قوی خانوادگی و ارتباط با پدر که انعکاسی از روابط گسترده تر در جامعه است.

گرچه نمایش قبلی ما نیاز چندانی به نورپردازی نداشت اما گاهی کمترین امکانات نورپردازی نیز در اختیار ما قرار نمی‌گیرد. امکانات کم نورپردازی و فقر ما در تهیه وسایل نورپردازی محدودیاز از موانع و مشکلات کار ما است.

در زمان تولید نمایشنامه "ذندگی زیباست" یا در انتظار عمومی امریکایی ام "استفاده از یک کارگاه آموزشی نورپردازی کاملاً ضروری به نظر رسید، این کارگاه آموزشی توان فنی گروه را در طراحی نورپردازی بالا برد، بدون اینکه ناچار شود به وسایل متعارف نورپردازی در تئاتر متول شود که بسیار گران است.

می‌توان یک طراح نور خبره را از خارج آورد که با استفاده از وسایل غیرمعمول نورپردازی بسیار خوبی برای نمایشنامه ساخته شده اما با استقلال و اتقا به نفس‌مان چه کنیم؟ بخصوص در طولانی مدت؟ توجه

کارگران‌های مصری همواره برای پیدا کردن متن با مشکل مواجه می‌شوند. این مشکلات هم عملی هستند و هم به لحاظ ادراک کمبود متن متناسب با زندگی معاصر از لحاظ سبک و موضوع و کمبود متن‌های عربی و محدودیت متن‌های مدرن و معاصر میان تماشاگر و تئاتر در مصر شکاف ایجاد کرده است. استفاده از متن‌های ترجمه و یا متن‌های غیر دراماتیک تنها راه حل ناگزیر این مشکل است. اما اگر بخواهیم زندگی معاصر را با استفاده از متن‌ها دراماتیک و نمایشی چه از لحاظ ادبی و چه از لحاظ ماهیت دراماتیک به تصویر بکشیم، تکلیفمان چیست؟

چه چیزی را گفتن با چگونه بیان کردن آن متفاوت است. از طرف دیگر نه فرهنگ شفاهی اجازه می‌دهد و نه شرایط موجود در پنجاه سال گذشته به بازیگر این اجازه و امکان را داده است، که دریافتی شخصی از متن را به عنوان عنصر ساختاری در اجرا استفاده کند.

این مباحث در نوشن نمایشنامه "ذندگی زیباست" و یا در انتظار عمومی امریکایی ام "نیز روند اجرای آن موثر بوده اند. از بازیگران برای ایجاد توازن در عناصر مختلف اجرا استفاده شده است.

در اجرای نمایشنامه "ذندگی زیباست" یا ... وسایل صحنه را با توجه به امکان انتقال آن از مصر به صحنه‌ها خارجی و نیز تأثیر زیبایی شناسانه آن‌ها تغییر داده ایم. سه تکه وسایل صحنه که به شکل زیبایی ساخته شده است و در عین حال قابلیت استفاده در فضاهای غیر متعارف را دارد، توسط طراح

کریستف گیلمارت که تجربه ارزنده‌ای در کار با وسائل گوناگون نورپردازی دارد، مدت چهار سال کارگردان فنی مرکز فرهنگی سفارت فرانسه در قاهره بوده است که در این مدت طراحی و اجرای نور تئاترهای هاناگار و تئاتر ملی را بر عهده داشته است.

برپایی کارگاه آموزشی این امکان را برای ما فراهم کرد که از همان آغاز بر روند کار تمرکز داشته باشیم و نیز طی یک دوره فشرده امکان استفاده از کارشناسان خارجی با توجه به شرایط داخلی کشورمان بوجود آید.

موقیت این کارگاه آموزشی ما را بر آن داشت که این نوع تجربه را دوباره تکرار کنیم تا تجربه‌ها تئاتری ما عمیق و ماندگار باشد.

دوباره نمایشنامه خانواده در این نمایشنامه نمونه‌ای از خانواده‌ها بورژوا است؛ پدر، مادر، دو پسر و البته یک خدمتکار و نیز سایه‌ای دوردست از عمومی خوشبخت و مقتصد در امریکا. هر کدام از اعضای این خانواده دلمنشغول رویاها و آرزوهای خود است. ارتباط یکنواخت و ملال اور اعضای این خانواده را مونولوگ نیرومند و قوی نفیسه که گذشته‌ها این

انگیزه یک گروه مستقل تئاتری شکل گرفت. گروه ابتدا روی پشت بام خانه دوستی در معادی شکل گرفت و بعد به مکان‌ها دیگر نقل مکان کرد و سرآخ صاحب جا و مکان مشخص شد.

گروه چهار اجرا داشته است.

۱- او می‌دانست چگونه بمیرد نوشت: توفیق الحکیم، اجرا در سال ۱۹۹۴ در تئاتر والاس

۲- اتوپوس، نوشه: اشرف صالح، اجرا در سپتامبر ۱۹۹۵ و بخش جنبی جشنواره تئاتر قاهره

۳- ادیپ پرزیدنت، اقتباسی مدرن از اسطوره ادیپ، نوشه: احمد العطار، اجرا در سپتامبر ۱۹۹۶ در تئاتر والاس و نیز بخش جنبی فستیوال تئاتر قاهره.

۴- کمیته نوشه: احمد العطار، مرکز فرهنگی فرانسه، باشگاه سوئیسی ایمبابا، و بخش جنبی جشنواره تئاتر قاهره در ۱۹۹۸ و نیز نمایشگاه جهانی کتاب قاهره و ششمین جشنواره تئاتر مستقل در عمان اردن.

مرگ مادر این خانواده را به هم تزدیک می‌کند. با این وجود تلاش آنها برای بیان انگیزه‌هایشان فقط موجب ویرانی محظوم آنها می‌شود. عدم هم برای آخرین بار تلفن کند و همچنان قول می‌دهد که در آینده نزدیک به خانه برگرد.

از نظر سبکی زبان شخصیت‌ها تکراری است «مثل مادر و برادر کوچکتر» مقطع است «مثل برادر بزرگتر» یا من درآورده است، «مثل پدر». تنها کسی که منطقی و با اسلوب حرف می‌زند نفیسه خدمتکار آنها است.

درباره گروه نمایش Temple در سال ۱۹۹۳ با

این اجرای ساده و عمیق قابل توجه تئاتر جهان باشد.

بازی درخشان و هنرمندانه بازیگر در نقش «ریچارد دوم» فرست مقتنمی بود تا ما تماشاگران تئاتر ایران شاهد خلقت ضنه‌ای، کشف لحظه‌ای، حضور تئاتری و شعور نقش در صحنه باشیم.

بازی در آثار شکسپیر به هر شکل (کلاسیک یا مدرن) نیاز به درک و شعوری فرا زمانی و فرامکانی دارد و به حق که «برلینز انسامبل» با بازیگرانش توانست این قابلیت فرازمانی و مکانی را به تماشاگر خود منتقل کند. «ریچارد دوم» از زوایای مختلف، دراما تئوڑی، کارگردانی، طراحی، بازیگری، زیبایی شناسی... قابل بررسی است که بررسی ت unanimi موارد فوق در این مجال نمی‌گنجند.

حضور این گروه توانمند اروپایی و ارائه یکی از زیباترین شاهکارهای ادبیات نمایشی به شکلی فراموش نشدنی نیازی بود که به خوبی حس و با سرعت جامه عمل پوشیده، به امید حضور مجدد این گروه با آثار درخشان تئاتری در ایران.

پادداشتی بر نمایش «ریچارد دوم» از تئاتر «برلینز انسامبل»

بازیگر حاکم بی‌قید و شرط صحنه «ریچارد دوم»

دیواره‌هایی بلند و رنگ‌آمیزی سیاه سفید فضاهای مختلف نمایش را می‌سازد. اما با وجود تمام عناصر زیبایی‌شناسی و کمپوزیسیون دقیق و برنامه‌بازی شده تصاویر اجراء، آنچه بیش از دیگر عناصر؛ تمام اجزای تئاتر (از متن تا دکور) را در خدمت می‌گیرد بازیگر است.

بازیگر حاکم بی‌قید و شرط صحنه «ریچارد دوم» است. حاکمی که از آغاز تا پایان حکومت خود را بر صحنه حفظ می‌کند.

«ریچارد دوم» به زمان مان می‌شتابد، اما نه ناشیانه، بلکه اندیشمندانه، دقیق و به اندازه، در اجرای «ریچارد دوم» اصلًا اثری از افراطهای مدرنیته که بعضاً فکر و ذهن تماشاگر را منحرف می‌کند وجود ندارد. کارگردان این اثر تئاتری با تکیه بر تجربه خود و گروه تئاتر «برلینز انسامبل» اثری را خلق می‌کند که

نه تنها برای ما تماشاگران ایرانی (که چندان و انطروپی که باید و شاید با تئاتر دنیا در ارتباط مداوم نیستیم) حذاب است، بلکه به نظر می‌آید

«ریچارد دوم» نمایشی بود که باید بی‌دیدیم و دیدیم... تا قبل از دیدن نمایش برایمان خیلی «باید» وجود نداشت، ولی هرچه نمایش به پایان نزدیک می‌شد این «باید» مفهوم بیشتری پیدا می‌کرد.

«ریچارد دوم» در اجرا حتی از متن شکسپیر هم پیشی می‌گیرد و خود را به ما، به خودش، به امروز و همین زمان نزدیک می‌کند. این نزدیکی اثر کلاسیک به زمان امروز باعث می‌شود تا ما، تماشاگر بیگانه به زبان گفتاری نمایش با اثر اجرایی، ارتباط برقرار کنیم. ارتباطی که از یک طرف برای تماشاگر عام جذاب است و از طرف دیگر برای تماشاگر خاص تئاتر آموزنده و پر از علم و تکنیک.

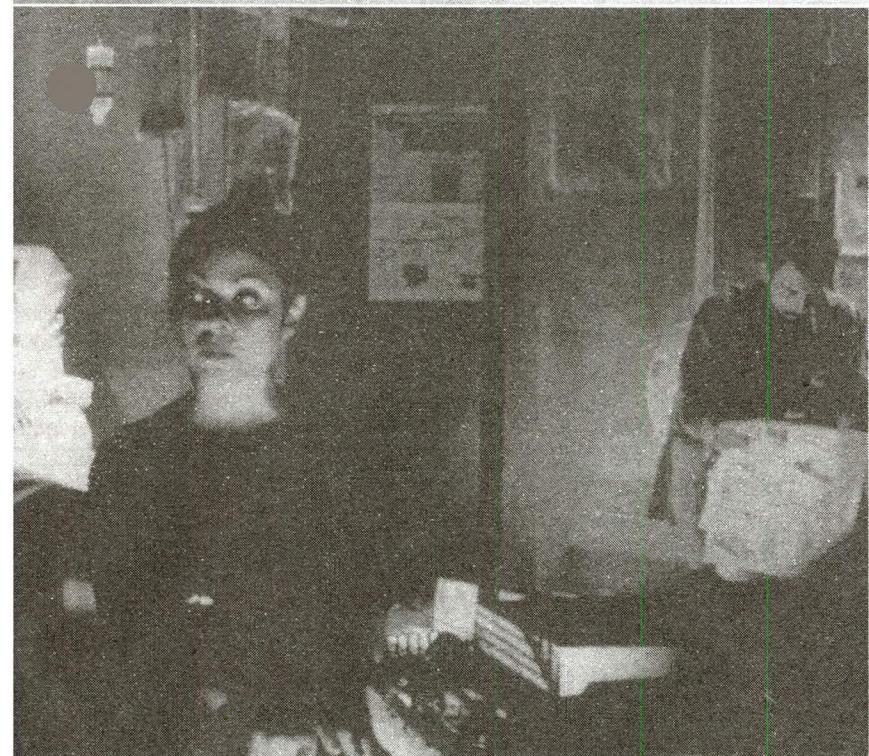
«ریچارد دوم» نهایت کاربرد عنصر اصلی تئاتر یعنی بازیگر در صحنه است. دکوری عظیم‌الجهة، اما ساده، کاربردهایی متنوع اما نه به گونه‌ای که تماشاگر را با خود درگیر کند. طراحی صحنه در ساده‌ترین شکل با



شیرپو

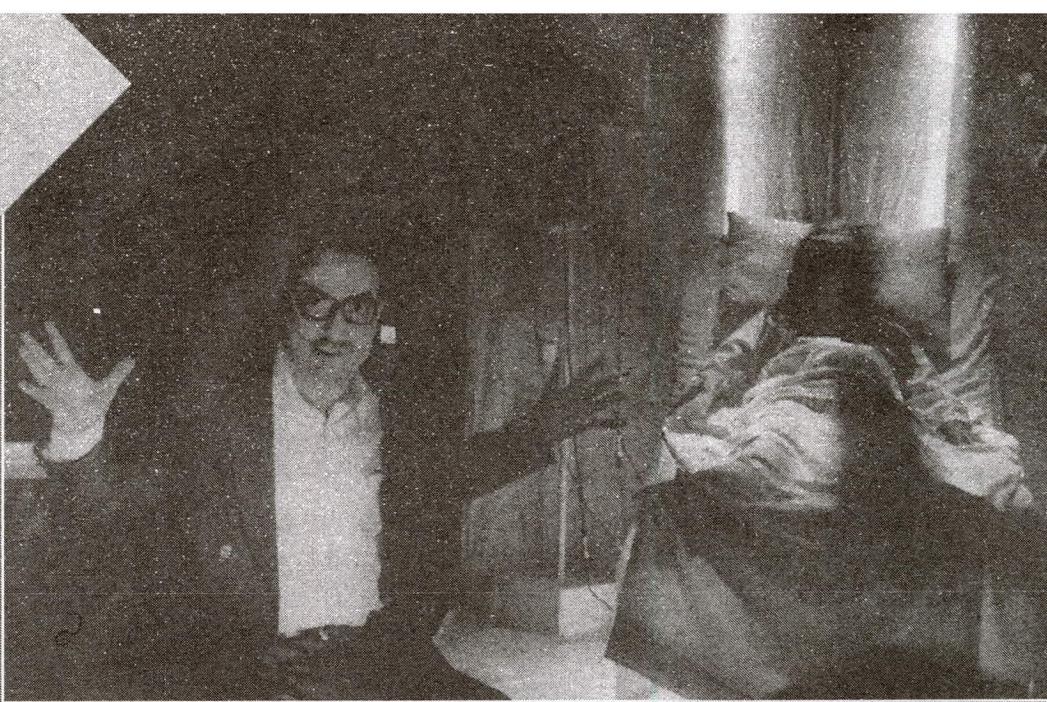
زندگی

گروه تئاتر مرام



or

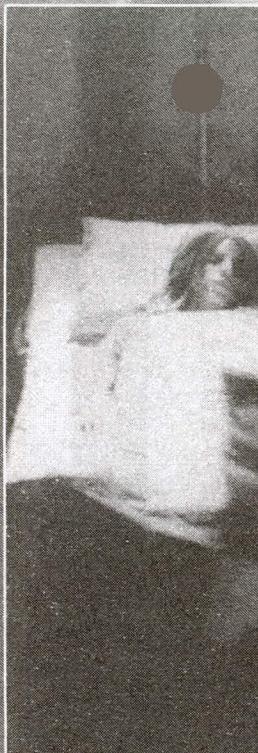
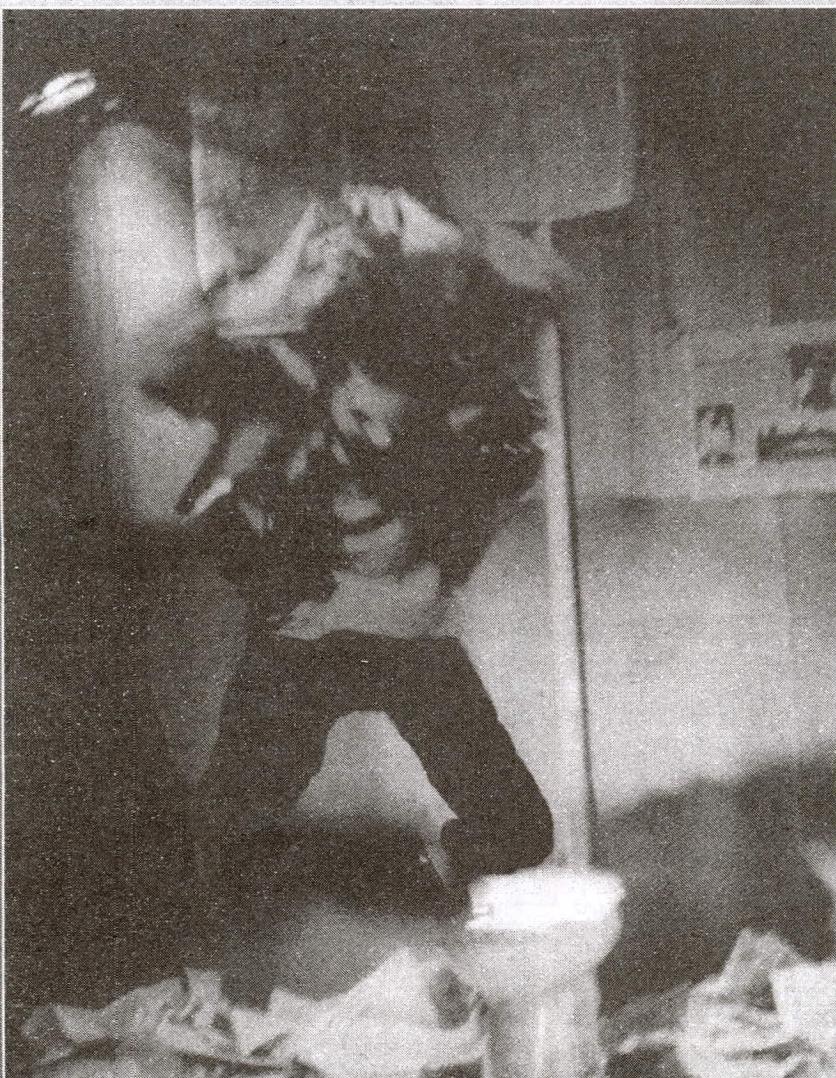
Waiting for
My Uncle
from
Amrica



Life Is Beautiful

Temple Co.-Egypt

زیاست



WICKRÜ



دانشجویان شاهنامه نمی‌خوانند گفتگو با مریم معترف کارگردان مادرهمه آن اسفندیاران

نمی‌شود و اینکه نمایشناهه نویسان کارهای را که می‌نویسنده چاپ می‌کنند و بعد از آن گروه‌ها می‌روند و آن را اجرا می‌کنند. در صورتیکه نمایشناهه بر روی صحنه شکل می‌گرد و ایرادهای آن برطرف می‌شود. بینند در این کار که با آقای باستانی انجام می‌دهیم نوعی همفکری وجود دارد که ایشان حتی بسیاری از دیالوگها را نیز در حین تمرین تغییر می‌دهند و اصولاً به نظر من همین همفکری است که کار نتیجه می‌دهد و در پیشتر دنیا نیز روال اینگونه است که کاری را می‌نویسنند تا گروه اجرا کند و بعد به چاپ می‌رسد. و البته نمونه بر جسته‌اش نیز استانی‌سلاوسکی با چخوی بوده است ولی متأسفانه در ایران این اتفاق بر عکس است هر چند اخیراً در حال شکل‌گیری است که امیدوارم استمرار یابد.

در ابتداء نام این نمایش را غمنامه رستم و اسفندیار قرار دارید که تغییر کرد دلیل این تغییر نام چیست؟

معترف: ما وقتی که قرار شد متن را به دیرخانه جشنواره ارائه دهیم حدود یک سال بود که آقای باستانی داشتند بر روی آن کار می‌کردند تا بالاخره در آخرین لحظات متن آماده شد و این اسم را برای زمان بازخوانی ارائه دادیم ولیکن بعد متوجه شدیم که اسم چندان متناسب با موضوع نمایش نیست و رستم و اسفندیار بخشی از محور داستان را در بر می‌گیرد و در حالیکه روایت از زبان کتابیون است که خود سه‌میل تمام مادران است برای همین اسم را به مادر همه آن اسفندیار تغییر دادیم که با محتواهای کار هم متناسب شود.

شیوه‌ای جدیدتر را در نظر گرفته‌اید؟
معترف: من فکر می‌کنم نمایش ایرانی را بایستی به همان شیوه‌های ایرانی اجرا کرد. و به غیر از آن اگر بخواهیم مثلاً شاهنامه را به فرم و شکل اروپایی پر زرق و برق اجرا کنیم باید واقعاً دکور و لباس‌های فاخر داشته باشیم. در اجرای فرود سیاوش سال گذشته چون تعزیه شکلی از تراژدی را بیان می‌کند و داستان فرود نیز از جمله داستان‌های تراژدیک بود ما از شکل تعزیه صحنه‌گرد و حتی موسیقی تعزیه استفاده کردیم که البته در زمان اجرا دچار مشکل شده بودیم و این بار نیز از شکل و فرم نمایش‌های ایرانی استفاده کردم.

در حین صحبت هایتان از نمایش ایرانی نام بودید خود شما چه تعریفی از این نمایش دارید؟

معترف: نمایش ایرانی نمایشی است که اول متن آن از فرهنگ خود ما نشأت گرفته باشد. فرهنگی که مردم با آن آشنا باشند. حال این متن می‌تواند کهن باشد یا امروزی. بعد از متن فرم اجرایی آن است که بایستی همانند فرم‌های نمایش‌های ایرانی چون خیمه شب‌بازی، تخته حوضی و حتی تعزیه که برد پسیار و سیعی دارد و تأثیرگذاریش بی‌حداست و از جمله فرم‌های خالص ایرانی است ریشه گرفته باشد. حال اگر این فرم‌های گرفته شده را با متنی که انتخاب شده در هم آمیخته کنیم فکر می‌کنم تماشاگر امروز با آن ارتباط راحت تری برقرار می‌کند و بهتر می‌تواند همدادات پنداشی کند و این است که مرا به سوی این قبیل کارها می‌کشاند.

حضور یک نویسنده در کنار گروه اجرایی که اخیراً باب آن در تئاتر باز شده چقدر می‌تواند در پیشبرد شاخه نمایشناهه نویسی در ایران کمک کند؟

معترف: در سال‌های قبل از انقلاب تالار سنگلج در اختیار گروه هایی بود که در اداره تئاتر فعالیت می‌کردند و خوب از بین آنها نویسندگانی پرورش یافته‌اند و به میدان آمدند که هنوز هم بهترین نمایشناهه نویسان کشورمان هستند ولی متأسفانه امروز اینگونه نیست اولاً اینکه کارها به شکل مستمر اجرا

● آیا این بار هم نمایش براساس شاهنامه به صحنه می‌آورید؟

● معترف: بله نمایش برگرفته از شاهنامه فردوسی است به نام رستم و اسفندیار که البته این بار برداشتی آزاد از سوی نویسنده صورت پذیرفته و محور اصلی داستان روایت مادر اسفندیار (کتابیون) دختر قیصر روم است که به همسری گشتاب شاهزاده ایرانی در آید. البته داستان بیشتر از ذهن کتابیون روایت می‌شود و ما از دید او روایت را می‌نگریم.

● از آنجاییکه در چندین دوره اخیر گرایش شما به سوی متون برگرفته از شاهنامه فردوسی بوده. بازگشت به این قبیل متون و اجرای صحنه‌ای از آنها چقدر در پیشبرد نمایش ایران مفید است و اصولاً نقاط ضعف و قوت اینگونه آثار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● معترف: ما در ایران اسطوره‌های زیبایی را به همراه ادبیات پر باز و غنی داریم که متأسفانه کمتر به آنها پرداخته شده است. من وقتی شاهنامه را می‌خوانم و تصاویر زیبایی را اساطیر کهن برایم مجسم می‌کنند و آنها را دارای مضامینی می‌بینم که امروزه نیز بسیار کاربرد دارد و می‌توان از آن استفاده کرد می‌توان زیبائیها را به تصویر کشید و آن حرفها را نیز بیان کرد. در کار قبلی ام شاهدت هایی که بین فرود و سیاوش وجود داشت به تصویر کشیده شده بود و موضوع کشته شدن فرود به دست ایرانیان بود که ما نسونه‌های امروزی آن را به وضوح به چشم می‌بینیم یا حتی داستان اسفندیار که حدیث نفس و درد نه تنها ایرانیان بلکه کل جهانیان است. اما دانشجویان رشته هنر متأسفانه با شاهنامه غریبه‌اند در صورتیکه از آنها انتظار بیشتری می‌رود. آنها بعضاً آثار شکسپیر یا هر دوره را خوانده‌اند ولی شاهنامه را نه. فکر می‌کنم لااقل با دیدن یک کار نمایشی اگر بتوان ۱۰۰ نفر جوان را علاقه‌مند به خواندن شاهنامه کرد قدمی به هدف نزدیک شده‌ام و بیاز دوست دارم متون کهن را اجرا کنم.

● شیوه‌ای را که در این نمایشناهه در نظر گرفته‌اید چگونه است. آیا نگرش شما به همان سبک و سیاست اجرایی قبل است یا

جوانه‌های امروز و فردا

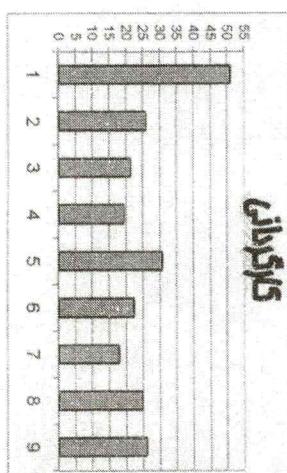
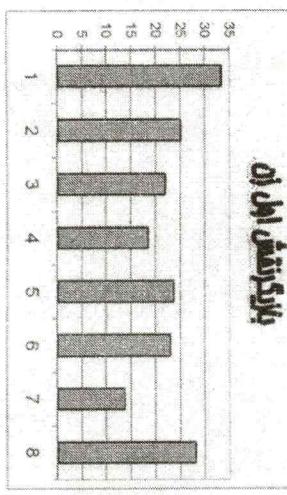
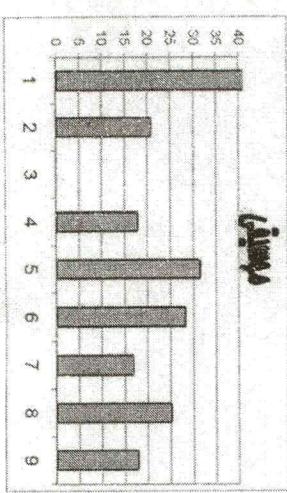
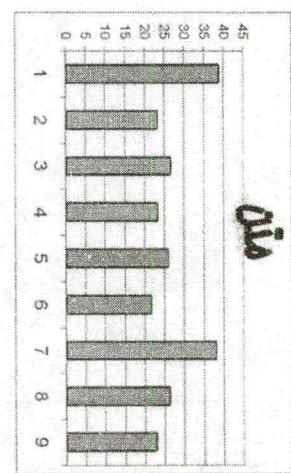
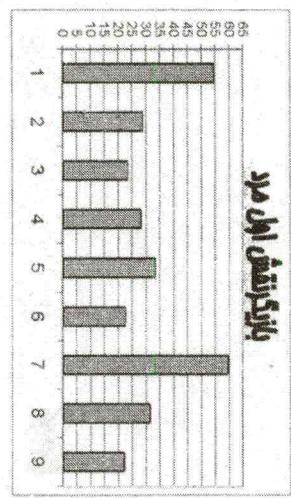
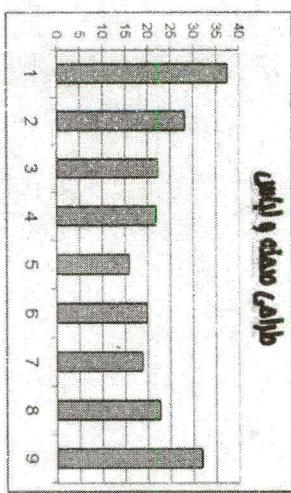
- نقد و بررسی نمایش داروگیر پهلوان، توسط مصطفی م Hammond، علیرضا احمدزاده، رضا کوچک‌زاده
- نقد و بررسی نمایش پیشته، توسط: صمد چینی فروشن، مهیود مهرنوش، روزبه حسینی
- نقد و بررسی نمایش یک خنده از ته دل، توسط: مسعود توکلی، مهرداد ابروان، بیتا ملکوتی
- نقد و بررسی نمایش سبز، سهراپ، سرخ توسط: کتایون حسین زاده، افشین خورشید باختی، حسنی مهکام
- پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۰:
- نقد و بررسی نمایش قصیده بلند باران، توسط: مصطفی م Hammond، علیرضا احمدزاده، رضا کوچک‌زاده
- نقد و بررسی نمایش می‌رم روزنامه بخرم، توسط: یهزاد صدیقی، صادق خاموشی: سعید تشکری
- نقد و بررسی نمایش کیلومتر ۵۰، توسط: صمد چینی فروشن، مهیود مهرنوش، روزبه حسینی
- نقد و بررسی نمایش رقص روی لیوان‌ها، توسط: مسعود توکلی، مهرداد ابروان، بیتا ملکوتی
- ۵ و قفن شمشیر
- سیستان و بلوچستان
- خطه نیمروز، شهر سوخته، زابل، سیستان و بلوچستان، سرزین کهن حمامه هاست. آواه و نغمه‌های این دیار تفته سخن از دیرینگی و دیدپائی و یادگارهای ارزشمند ایران باستان دارد و رقص شمشیر با آواز سرنا و دهل و حرکات موزون رقص نمایش جنگ است که حمامه را به تعزیز نمایشی تزدیک ساخته است.
- این رقص‌ها از جمله نمایش‌های میدانی ایران باستان بوده که در مراسم و آئین‌های مختلف آن دیار هنور برپا و بر جاست. چرخش، حرکت، چستی و چالاکی، مهارت، جوانمردی و فتوت مقاهم اصلی این رقص‌هاست که در دایره‌های نمایش توجه تماشاگران را به خود جلب خواهد کرد.
- فضای باز تاقارشهر
- تالار وحدت
- چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۸۰: شیخ صنعت، نویسنده و کارگردان: مهدی شمسائی، ساعت ۱۶/۳۰ و ۱۸/۳۰
- پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۰: سیمرغ، نویسنده و کارگردان: هادی مرزان، دو اجرا ساعت ۱۹ و ۲۱
- تاقارشهر - سالن اصلی
- چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۸۰: شبائی، نویسنده و کارگردان: حمید صفائی، ساعت ۱۷/۳۰ و ۲۰/۳۰
- پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۰: کلفت‌ها، نویسنده: ژان زنه، کارگردان: علی رفیعی، ساعت ۲۰/۳۰ و ۱۷/۳۰
- تاقارشهر - سالن چهارسو
- چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۸۰: آگوشت زهرماری، نویسنده و کارگردان: ارش آبسالان، ساعت ۱۸ و ۲۰/۳۰
- پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۰: آرش از کشور کانادا، نویسنده: بهرام بیضایی، کارگردان: سهیل پارسا، ساعت ۱۸ و ۲۰/۳۰
- تاقارشهر - سالن سایه
- چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۸۰: دیر راهبان، نویسنده: فرهاد مهندس پور، محمد پرمشیر، کارگردان: فرهاد مهندس پور، ساعت ۱۷ و ۱۹/۳۰
- پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۰: قصیده بلند باران، نویسنده: مرتضی سخاوت، کارگردان: حسین پارسا، ساعت ۱۷ و ۱۹/۳۰
- تاقارشهر - سالن فشقانی
- چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۸۰: داروگیر پهلوان (ق)، نویسنده: حسن باستانی، کارگردان: محمد جواد تاھری، ساعت ۱۷ و ۱۹/۳۰
- پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۰: میرم روزنامه بخرم، نویسنده و کارگردان: رحیم نوروزی، ساعت ۱۷ و ۱۹/۳۰
- تاقارشهر - سالن کوچک
- چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۸۰: پیشته، نویسنده و کارگردان: رامین سلیمانپور، ساعت ۱۶/۳۰ و ۱۸/۳۰
- پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۰: کیلومتر ۵۰ (مالایر)، نویسنده و کارگردان: آرش عباسی، ساعت



نیز

ରତ୍ନମଲୀ

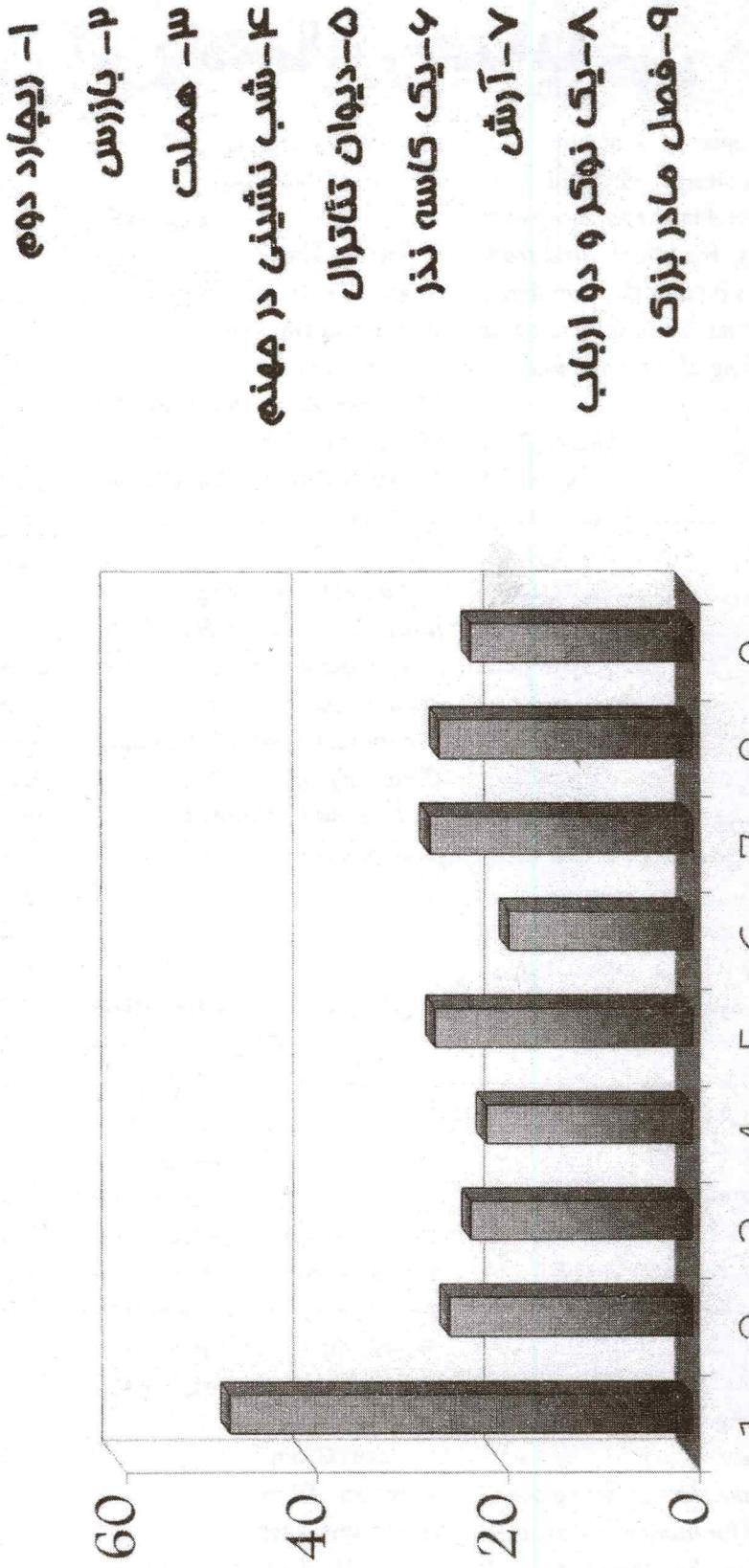
لـ ۱- دیکسون نـ ۲- اـ ۳- مـ ۴- سـ ۵- شـ ۶- هـ ۷- آـ ۸- بـ ۹- فـ ۰- زـ ۱۰- نـ ۱۱- سـ ۱۲- دـ ۱۳- کـ ۱۴- چـ ۱۵- گـ ۱۶- یـ ۱۷- ۱۸- ۱۹- ۲۰-



۱۹

تایم آرای تمایش های داشتیا / ۱۰/۰۸

با احتساب میانگین امتیاز منس-کارکردی-پایانی-طایم شاوند و بیاس



معرفی کروههای خیابانی

Set Manager: M. Golchin

Costume Design: M. Salehi

Synopsis: *A man is arguing with a donkey. We understand from what goes on that the man thinks himself as a donkey and is complaining about humanrace...*

آنجا آن طرف خیابان

گروهه افتتاب

نویسنده: احسان فلاحت پیشه

کارگردان:

بازیگران: کاووه قاسمزاده، مهدی خالقی، امیر جاویدنیک

دستیار کارگردان: مهدی خالقی

مدیر صحنه: نصرالله پورفلاح

خلاصه نمایش:

حکایت آن دسته از جوانانی است که در خیابان برای امارات معاش غیرمعقول خود از مردم طلب پول و کمک می‌کنند و مرد دیگری که برخلاف مرد اول سعی می‌کند خود را در کوران جامعه رها نکند و نگه دارد. در ایستگاهی هر کدام از آنها به توضیح دادن درباره دلالت خود می‌پردازند و اینجا، ایستگاه تنها زمانی است که ما به خود می‌اندیشیم در آنجا آن طرف خیابان.

There, At The Other Side Of The Street

Aftab Group

Writer: E. Falahatpisheh

Director: K. Ghassemzadeh

Players: K. Ghassémzadeh, M.

Khaleghi, A. Javidnik

Assistant: M. Khaleghi

Set Manager: N. Poorfallah

Synopsis:

It is the story of young people who beg for money and people's charity in the streets for their indecent expenses. Two men argue over the issue in a bus stop.

می‌دارد انسانی در زنجیر و قلاده دیده می‌شود. زنجیر او را گرفته، بساط را جمع می‌کند و می‌رود.

Who Is This?

Gilgamesh Group

Writer and Director:

Zh. Ghaziani

Players: Zh. Ghaziani, Sh.

Messbahrad

Assistant Director: Sh. Ghazali

Set Manager: H. Sheidayi

Synopsis:

Someone is selling guns and flowers in the street. He is hiding a big object under a great garbage nylon which is his last item. He auctions it but gets disappointed. Collecting his things to leave, we find a man in chains under the piece of nylon.

خر

گروهه اسمان

نویسنده و کارگردان: حامد حسینزادگان

بازیگر: حامد حسینزادگان

دستیار کارگردان: محمدرضا میرزا محمدی

مدیر صحنه: مهدی گلچین

طراح لباس: مسعود صالحی

خلاصه نمایش:

مردی همراه با یک خر در حال مشاجره با خر است. از صحبت‌های خر و مرد مشخص می‌شود مرد خود را خر می‌داند و با خر از دنیای آدم‌ها شکایت دارد و در این میان...

The Donkey

Asseman Group

Writer and Director:

H. Hosseinzadegan

Player: H. Hosseinzadegan

Assistant Director:

M.R. Mirzamohammadi

طوز قیمه پشمگ

گروهه نمایش سوما

نویسنده: منیزه ریحانی، بهرام ریحانی

کارگردان: بهرام ریحانی

بازیگران: بهرام ریحانی، چند نفر از عابران

و تماشاگران

دستیار کارگردان: احمد رضا لک

خلاصه نمایش:

همه چیز با ورود بی شرمانه یک حشره موذی به بسیار یک آقای مشخص آغاز می‌شود... و سپس دستورالعملی جذاب، بدیع و جالب (و متفاوت) جهت تهیه یک پشمگ فوق العاده خوشمزه، نوش جان، گوارای وجود.

Sugar Candy

Souma Theatre Group

Writer: M. Reyhani, B. Reyhani

Players: B. Reyhani, passer-bys and the audience

Assistant Director: A.R. Lak

Synopsis:

Every thing starts when a sly bug shamefully enters a gentleman's clothes. So, we have a nice but different recipe for making very delicious Pashmak.

این کیه

گروهه گیلگمش

نویسنده و کارگردان: زوین غازیانی

بازیگران: زوین غازیانی، شهاب صباح‌زاد

دستیار کارگردان: شهاب غزالی

مدیر صحنه: حامد شیدائی

خلاصه نمایش:

فردی در خیابان بساطی پنهان کرده و اسلحه و گل می‌فروشد. او جسم بزرگی را زیر یک پلاستیک بزرگ زباله پنهان کرده که آخرین کالای اوست. این کالا را به حراج می‌گذارد و وقتی از فروش آن ناامید می‌شود بساط گل و اسلحه را جمع می‌کند. وقتی پلاستیک را از روی آن جسم بر

Ahab the two idolaters in Palestine.

The Oblation

Kashmar Theatre Society

Writer: Z. NajafPour.

Director: M. Naseri.

Players: H. Mokameli, A.A. Nasirpour.

Set and Costume design:

L. Moadab.

Synopsis:

A young boy Ahmad marries a girl called Leila. But because he feels it's his responsibility and for his religion and country he goes to war.

However, he's captured and for twelve years she awaits his return. During this time she suffers a lot. She has gone through so much to find him, even searched the war stricken areas; but no sign of him and still she waits for twelve years and tolerates all the reproaches. Finally he returns but he has his doubts about her and everything is turned against her.

Arash

Azad University Jahad Theatre Group

Writer: B. Beizaie

Director: S. Shahriar

Players: R. Momeni, E. Ghadirian, P. Karimi, A. Shahmohmudi, S. Golestani, F. Raiim, A. Mozaiedi, S.M. Mussavi, S. Shahriar.

Music: A. Arjmandi.

Synopsis:

A war has risen between the Iranians and the Touranians. Then It's decided that an archer should throw an arrow and

where ever it lands will be the border of Iran. Arash a shepherd must climb the Alborz Mountain and throw the arrow. Disheartened he throws the arrow but not with the strength of his body but with the power of his heart.

A Servant for two Masters

Papati Group

Writer: C. Goldoni

Director: H. Pourazari

Players: M. Sheikhi, E. Asgarishakib, K. Baiani, A.A. Heidari, S. Razani, F. Ghasempour, H. Hashemi, A. Javid, M. Saiadi, J. Pourzand, H. Amel, N. Shokohi, A. Shafiee

Assistant Director: H. Amel

Set Manager: M. Ghafari

Music: H. Amel, N. Shokohi, A. Shafiee

Synopsis:

Khodadad an always hungry servant, for a loaf of bread works for two masters at the sametime. One of her masters is a woman dressed in her brother's clothes, who has come to Tehran to get his money and marry her fiance. In the midst of interesting events the masters get married and the servant also gets his girl.

The Grandma's Season

Kermanshah Theatre Society

Writer: H.R. Naimi.

Director: Kh. Shahrzad.

Players: M.R. Zandi, N. Javadpour, S. Vahedizadeh.

Assistant Director: S. Salarvand.

Set Manager: A. Sarvarian.

Synopsis:

A young husband and wife change their mind about going on a trip, and instead go to nurse his grand mother. From the moment they go in his wife notices her husband's grandmother is denying her some things.

She tries to get used to her new life and behave in a way that would suit the grandmother but, she realises it's impossible. So she tries to change her husband's mind and brings him on her side, but that is not also possible and her husband in spite of his great love for her can never get out of his grandmother's influence. He is completely in her power. She's faced with even more problems until she finally has to murder.

Shahrzad-Houralhoveizeh

Larestan Group

Writer: M. Akbarnejad.

Players: J. Taherian, A. Taherian, M. Baharestani.

Set Manager: F. Ghannadi

Design: L. Taherpasand.

Synopsis:

Shahrzad a woman survived in a war, is accused in a court by Amir Shahshahani and has to defend herself.

Imam Ali in Jabolsa

Tehran

Director: Alaedin Ghasemi

Imam Ali appoints his sons, Imam Hassan and Hussein in his place and leaves for Jabolsa. The fidelity, the safe keeping of the others goods, generosity and keeping a promise are the main issues of this Tazieh which take place in Jabolsa.



An interview with M.Jafari the Director of "Hamlet" and "Antigone"

Majid Jafari this year has participated with two plays "Hamlet" and "Antigone" in the festival.

He has worked with the same group for both plays and worked on each for five months. He says, he has tried to adapt the rhythm of the performance with the present time, because they were suitable for their time. He also believes that theatre apart from considering the political and social situations, is an art and when choosing and performing a piece of art one should pay attention to the uniqueness of that work so that it would not be affected by the volatile and unstable political and social changes.

Jafari also hopes that by establishing a tie between the Iranian and foreign theatrical

groups, the creative and the talented would become familiar with the great developments made in this field in the world. He hopes that the people who are chosen for these communications will evaluate and analyze these achievements.

An interview with M.Motaref the Director of "Mother of all those Esfandiaris"

Ms Motaref in her interview about the play said: "This play is derived from one of the stories from Shahnameh, called Rostam and Esfandiar. A woman called Katayoun the daughter of the caeser of Rome in an imaginary atmosphere is telling the story. The writer has used the myths and aesthetics in the Iranian literature to create an Iranian play with an Iranian form and individuality."

selfish way everyone is trying to achieve their dreams, without thinking of the welfare of the family finally splits them up.

"Sheikh San'an"

Simahang Group

Writer & Director: M. Shamsa'ie

Players: M. Kianipour, M. Kia, M. Goudarzi, K. Atharinejad, M. Khodami Rad, L. Mohseni &...

Set Design: M. Mirfakhraie

Music: S. Cheraghi, Sh. Sherbaian

Costume Design: F. Chaghtae

Synopsis:

Taken from the "Mantegh Ol-Teir" Verses of Farid Ol-din Attar Neishabouri, it is the tale of pious old man, a possessor of miracles, a Muslim who falls in love with a Christian girl, to the extent that he exchanges his heart and belief for the bewitching look of the girl.

Life is Beautiful

Egypt

Director and Writer: Ahmed El Attar

Players: Ahmed Kamal, Salwa Mohamed Ali, Hassan El Kreidli, Magda Abdu, Waleed Marzouk

Music: Hassan Khan

Set Design: Hussein Bidun

Light Design: Christophe Guillermet

Synopsis:

An Egyption bourgeois family is living happily in America. Every one is thinking only of their own dreams and needs. The death of the mother and the thoughtles sness and

Tashbaie

Writer and Director: H. Safaie.

Players: A. Aali, H. Ganji, A. Moini Saleh, A. Jalali, E. Salehi, S. Nouri, M. Kharatzadeh, Sh. Moghaddam, M. Hendiani, K. Hashemi, T. Dasteh Bashi, H. Akhtar Kavian, P. Arastehpour.

Assistant Director: M. Sahraie, S. Hadadi, M. Kharatzadeh.

Set Managers: H. Akhtar Kavian, P. Parvaresh.

Set Manager: R. Lashkari.

Costume Design: Z. JahanParvar.

Synopsis:

The play is about the prophet Iliad who gets in to controversy with Isabel and

NAMAYESH

The 20th International Fadjr Theatre Festival
No. 3

Editor-in-chief

Laleh Taghian

Technical Manager

Anoushirvan Mirzaei

Computer Manager

Parviz Mirzahosseini

Computer Graphic

M. Ali Mirzaei

Translators

Akhtar Etemadi

Ava Serjoei

Typesetting

Farzane Sarmadi

Mehri Gholami

Panteh-A Mirzahosseini

20th INTERNATIONAL FAIDH THEATRE FESTIVAL

جشنواره بین المللی تئاتر فخر

Dramatic
Arts
Center

T E H R A N - 2 1 J A N U A R Y - F B 2 0 0 2

Place	Vahdat hall	City theatre Hall	Sayeh hall (City theatre)	Char 500 Hall (city theatre)	Ghashgheie Hall (city theatre)	Kouchak Hall (City theatre)	Honor Hall	Saméja Hall	Molavi Hall	Tazligh Houseinéh Tarash Tarash	The Folklore Performances City Theatre Open grounds
Date	19:00	17:30&20:30	18:00&20:30	17:00&19:30	16:30&18:30	16:00&18:00	15:00&17:00	15:00&17:00	15:00&17:00	17:00	Street Theatre Section
MON. 21 Jan 2002	Richard II W. W. Shakespeare D.C. Peymann	Hamlet W. W. Shakespeare D. M. Jafini	Soiree In Hell W. M.Ryan Malbouw D. R. SeifZadeh	The Book of Theatre W.D. Moalimmoahmed	Oblation W. Z.BejatiPour D. M.Naseri	Arash W. B.BejatiPour D. S.Salmari	A Servant for two Masters W. B.BejatiPour D. M.Naseri	The Grandmother's Season W. H.Pour Azer	Khatam Bakhti Kermanshah 70	Khatam Bakhti Iran All	Halparke (Kurdistan)
* TUE 22 Jan 2002	Richard II W. W. Shakespeare D. Payman	O Tehran 100 O Tehran 130	O Love on the ridge W. H.Jebeli D. R.Jian	O Hayvane W. D. A.Khadem	Arash W. Z.BejatiPour D. M.Naseri	Arash W. B.BejatiPour D. S.Salmari	A Servant for two Masters W. B.BejatiPour D. M.Naseri	Shabnam W. D. H.Pour Azer	Khatam Bakhti Iran All	Khatam Bakhti Iran All	Halparke (Kurdistan)
WED 23 Jan 2002	Sheikh Saman W.D. M. Shamsaei	Tashkhanie W.D. H.Safiei	O Tehran 90 O Tehran 95	O The Convent W. Mohandeseon-Chamkar	The Hero W. H.Bastani D. M.J.Taheri	Arash W. D. H.Khodadi	A Deep Laugh W. D. H.Khodadi	A Servant for two Masters W. D. H.Pour Azer	The Green Red Sohrab W. M.R.N.Mogaddam D. M.ValehdiZadeh	Imam Ali in Jakolsa Ardebil 75	The Sword Dance Tehran
O Tehran 145	Simorgh W.D. H.Marchen 19:00&21:00	O Tehran 100 O Tehran 145	O Arash W. B.Bejati D. S.Parsa	O The elegy of rain W. M.Sekhavat D. H.Parsaei	Ghoni W. R.Norozi	Arash W. D. H.Khodadi	The Blood Wedding W. D. M.R. Nasrin	A dance over the Ghases W. D. M.R. Nasrin	Imam Ali in Jabolsa Shiraz 60	Imam Ali Tehran	Baluchestan
THR 24 Jan 2002	The Maidens W. G. Garcia Lorca D. A.Rashe	W. Jean Genet D. A.Rashe	O Tehran 65 O Tehran 70	O Secrets and lies W. N.Sanimi D. K.Moradi	I will get a newspaper W. R.Norozi	Arash W. D. H.Khodadi	The Fiftyth Klementer W. D. M.R. Nasrin	Nomotak W. D. A.Rostami	The Nomad W. D. A.Rostami	The Hunter Bear Chaharmahal&Akhbari	Baluchestan
FRI 25 Jan 2002	Mardima W.D. A.Dianatpis	Life is beautiful W.D. A.Altar	O Arash W. B.Bejati D. S.Parsa	O Antikhovo W. Sopokles D. M.Jafari	Yousouj W. D. N.Delghat	Arash W. D. H.Khodadi	The Lamar Eclipse W. M.Charnishir D. R.Kakakhani	Samandaj W. D. F. Asifi	Samandaj Tehran 70	Samandaj Tehran	Baluchestan
SAT 26 Jan 2002	Mardima W.D. A.Dianatpis	Life is beautiful W.D. A.Altar	O Arash W. B.Bejati D. S.Parsa	O The Dhaka W. B.Bezizie D. N.Isteghami	Teheran 60 ● Teheran 65	Arash W. D. H.Khodadi	The Last Pearl W. D. H.R.Azarang	Three Episodes of the Pure life W. D. A. Naderi	Imam Ali & Caesar of Rome Tehran 120	Imam Ali & Caesar of Rome Tehran 60	Chaharmahal&Akhbari
SUN 27 Jan 2002	The House of Bernard Alba W. G.G.Lorca D. R.Chiili	The Long Night Feast W. Wilder Diaz Arren	That is enough, Shut up W. M.GharibzadehPisani D. A. Pesiani	Common Phone W. M.A.Yarimadi D. R.Hamedehi	The Same As Always W. D. R.Ramintar	Arash W. D. H.Khodadi	A sea of wine W. D. A.Naserinia	To Desire W. D. A.Sanajani	The Whispers at the Battlefield W. D. A.Naderi	Imam Ali & Amribn Abood Quzvin	Boyerahmadzi
MON 28 Jan 2002	* Iran-Germany/10.5 The House of Bernard Alba W. G.G.Lorca D. R.Chiili	* Syria 55	O Tehran 60	The Tamming of a Shrew W. D. N.Bodlumand	Shatirshahr 35 W. D. F. Asifi	Arash W. D. H.Khodadi	The Last Pearl W. D. H.R.Azarang	The Big Guys W. D. R.Karamezai	Imam Ali & Amribn Abood Quzvin	Imam Ali & Amribn Abood Shiraz	Bil Gardani Arak
TUE 29 Jan 2002	* Iran-Germany/10.5 The poles W. A.Jarry D. Martinielli	* Russia 70	O Tehran 75	The mother of all those Esfandiaris W. H.Bastani	Teheran 80 W. D. Gh. Sadeghi	Arash W. D. H.Khodadi	To Desire W. D. A.Sanajani	Imam Ali & Amribn Abood Shiraz	Imam Ali & Amribn Abood Shiraz	Bil Gardani Arak	
WED 30 Jan 2002	* Italy 60 The poles W. A.Jarry D. Martinielli	* Russia 70	O Tehran 75	Sahouri W. D. V.Gobkobov	Teheran 120 W. D. M.Motref	Media,a W. D. A.Salimi	Lars & khazal W. D. A.Salimi	The Cabins of Alias the Impoter W. D.Makhtari	Imam Ali & Amribn Abood Shiraz	Bil Gardani Arak	
THR 31 Jan 2002	* Italy 60 Kaspirk the Witch W. D. T.Famiani	* Canada 80	O Tehran 90	We are so Lucky W. D. Nabilollah	Teheran 90 W. D. A.Salimi	Shakespeare-Blood W. D. A.Salimi	The soldier W. D. J.Tehrani	The Academy of laughing W. K.Mirzaei	Imam Ali & Amribn Abood Shiraz	Bil Gardani Arak	
FRI 1 Feb 2002	O Tehran 90	* Canada 80	O Tehran 100	The Enemies of a Healthy Society W. M. Afkandari D. M. Mohammadi	We are so Lucky W. Ch. Yavneh D. S.Timatz	Teheran 90 W. D. A.Salimi	Saphez W. D. A.Salimi	The Long Night W. D. A.Salimi	Imam Ali & Amribn Abood Shiraz	Bil Gardani Arak	

The Closing Ceremony at Vahdat Hall at 6 o'clock

- * International Section
- Competition Section
- Out of competition
- Review
- Critics regarding the play will be conducted

- Taziehs
- The Folklore Performances
- The Theater Section
- W. V. / D. Director
- The number on the right corner

Theater, the Scene of Peace & Thought

Show the scene of performance in relevant

جشنواره بین المللی
تئاتر فجر

۲۰۵th

تهران - ۲۱ جانویه ۱۳۸۰

International Fajr Theatre Festival

T E H R A N - 21 J A N - 1 F E B B 2 0 0 2

Dramatic Arts Center